

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال ششم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

ص ۱۰۷-۱۲۴

روح و سرنوشت آن بعد از مرگ در آیین «جینه»

محمد مهدی علیمردی* بنفشه متقی**

چکیده

با این که آیین جینه از ادیان هندی بشمار می‌رود، ولی به خاطر نگرشی که به مسأله روح و خاستگاه آن دارد، حتی با وجود شباهت با آیین هندو، به گونه‌ای در مقابل آن قرار گرفته است. کرمه، سمساره و مکشه، مفاهیمی هستند که بین دو آیین «هندو» و «جینه» مشترکند. اما نگرش «جینه» به ذات انسان و هدف‌گایی و راه رسیدن به آن، باعث بروز تفاوت چشمگیری بین این آیین و خاستگاه هندویی آن شده است. با وجود پیچیدگی‌های بسیار آیین جینه، می‌توان گفت: روح (جیوه)، نقش محوری در این آیین دارد، احترام به موجودات در هر مرتبه‌ای که باشند (اهیمسا) اهمیت ویژه و اصل بنیادی این آیین است و مسلماً حرمت آن نه از بعد مادی، بلکه به سبب روحی است که با طی طریق درعالم مختلف به درجه والایی از مقام انسانی می‌رسد و به نوبه خود با رعایت اصول اخلاقی خاص و ریاضت‌های شاق جسمانی، که در نتیجه آن تأثیرات امور مادی (اجیوه) بر روح (جیوه) از بین می‌رود، پیروان «جینه» قادر به دستیابی به مقام خلوص و ذات اصیل خود می‌باشند. این همان مقامی است که در این آیین، جایگاهی خداگونه^۱ یافته است، البته دستیابی به این مهم از طریق توصیف مسائل مرتبط با این آئین مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. بدیهی است این امر با بررسی مفهوم روح و اقسام آن و نیز رابطه (روح و بدن) و (روح و عمل) و موضوع تناسخ تا نحوه رهایی و نجات در این آیین تبیین خواهد شد.

واژه‌های کلیدی

انسان، خدا، جیوه، کرمه، کواله، سمساره، سیده‌هه.

alim536@yahoo.com

*استادیار گروه ادیان غیر ابراهیمی، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

b.mottaghy@gmail.com

**دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادیان غیر ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

مقدمه

آئینی که ما بدین نام می‌شناسیم در دوران باستان با نام‌های دیگری نیز شناخته می‌شده است. صورت فعلی جینه (Jaina)، از ریشه کهن‌تر جینه (Jina) گرفته شده است. در زمان مهاویره، این دین را به نام «نیرگرتهه» یا «نیرگرتهه- پروچنه» (Nirgrantha-pravacana) می‌شناختند و در زمان پارشوه، تیر تهنکره‌ی پیش از مهاویره با عنوان «پارشونامه- دهرمه» Parsavana-Dharma [به معنای آیین پارشوه] و در زمان پیش از پارشوه، در دوره‌ی اریستانمی (Aristanemi)، تیر تهنکره بیست و دوم، با عنوان آرتهه دهرمه (Arhata-Dharma) شناخته می‌شده است.

تاریخ آغاز آیین جینه در دوران پیش از مهاویره، در پرده‌ای از ابهام فرورفته است. خود جینه‌ها، بر اساس متون دینی خویش، کیش خود را ابدی و ازلی می‌دانند. با توجه به پیوستگی باورهای پیروان پارشوه با آموزه‌های مهاویره، قدمت این آیین امری مسلم است.

آیین جینه در حدود ۶ قرن قبل از میلاد توسط مهاویره احیاء گردید. این آیین که در مقابل مناسک قربانی و ستایش وده‌ای (متون هندو) قد علم کرده، راه تعالی انسان را نه از طریق این اعمال، بلکه خودسازی درونی و عدم آزار به موجودات اعم از نباتات و جمادات می‌داند. احترامی که جینه به موجودات می‌گذارد، ناشی از اعتقادی است که به ماهیت آن‌ها و ماهیت جهان دارد. این سخن به معنای مادی‌گرا بودن نیست، بلکه متافیزیک خاص آیین جینه همه موجودات را محترم دانسته و همه را قابل متعالی شدن می‌داند. در این بین، بعد متعالی موجودات که جدا از بعد ظاهری آن‌هاست و اهمیت ویژه‌ای در تبیین جینه از انسان و جهان دارد، بسیار مورد توجه می‌باشد. اهمیت بعد متعالی، سبب شده تا این امر در سایر ادیان نیز کانون توجهات و دستورات اخلاقی قرارگیرد، از

این‌رو، مسأله روح و نقش آن در زندگی این جهانی و سرنوشت آن پس از پایان زندگی مادی در آیین جینه نقش قلب تپنده را برعهده دارد.

نوشته حاضر در خصوص ماهیت و وضعیت روح به‌منزله بُعد ماورایی موجودات، در عالم، از نگاه آیین جینه (Jaina Dharma) است، روح با اوصافی که برای آن بیان می‌شود آیا وجودی مستقل دارد یا به وجود غیر نیازمند است؟ این ارتباط روح و بدن مادی را چگونه تبیین می‌کند؟ این ارتباط چه موقع شکل می‌گیرد؟ و آیا نیرویی در پس آن حضور دارد، یا خیر؟ آیا روح فراتر از ماده است؟ ارتباط آن با ماده به چه منظور می‌باشد؟ آیا می‌تواند هر موقع که اراده کرد، از ماده جدا شود؟ با وجود ارتباط این دو عنصر مادی و معنوی، وضعیت ماده فناپذیر مشخص است، اما بُعد ماورایی چه سرنوشتی خواهد داشت؟ روح برای رسیدن به بهترین وضعیت در عالم باید چه حالتی داشته باشد و چگونه به آن دست می‌یابد؟ این وضعیت در این عالم است یا جایی دیگر؟ این پرسش‌ها و سؤالاتی که ممکن است در روند پژوهش مطرح گردد، تحلیل دقیق از ماهیت و جایگاه روح در آیین جینه را طلب می‌کند.

۱- معنا شناسی

۱-۱. کرمه: واژه کرمه از ریشه سنسکریت به معنی عمل کردن و ساختن، انجام دادن و به وقوع پیوستن است. این واژه حالت فاعلی کرمن (Karman) است (Mahony, 1987: 261) به معنای عمل، کار، شغل، وظیفه خاص، حرفه، تکلیف، اعمال مذهبی، پرستاری، حرکت جسمانی، محاسبه، می‌باشد (داراشکوه، ۱۳۶۸: ۱، ۵۵۰-۵۴۹). معنای عام کرمه، شامل همه اعمال مادی و فیزیکی است که در طول شبانه‌روز انجام می‌دهیم و معنای خاص آن آداب و شعائر خاص دینی نظیر قربانی،

موجوداتی مثل انسان‌ها، خدایان و دوزخیان قرار دارند که علاوه بر پنج حس، دارای حس ششم یعنی اندیشیدن (منس manas) نیز هستند (undas, op. cit, p. 95 art.cit, vol. 4, p. 238, Smart).

۳-۱. اجیوه: عنصر غیرزنده، بی‌حس، بی‌جان. در نگاه خاص، اجیوه فقط به ماده اطلاق می‌شود که نقطه‌ی مقابل جیوه‌ها روح است. در فلسفه‌ی جینه برای تعریف اجیوه‌ها جوهر ماده از اصطلاح پودگله (pudgala) استفاده می‌کنند. صورت پرکریتی واژه‌ی پودگله در متافیزیک جینه، پوگله (Puggala) یا پُگله (Poggala) می‌باشد. اصل معنای پودگله، به مفهوم جوهری است که به واسطه‌ی ترکیب و تجزیه، استحاله و تغییر حالت پیدا می‌کند و این معنا بیانگر خصلت ماده در ایجاد فرم‌های مختلف پرچگالش و لطیف است. وظیفه‌ی ماده ایجاد ریخت‌های مختلف کالبدی، اندام‌های حسی، ذهن و دم و بازدم است. ایجاد همه‌ی این ریخت‌ها بسته به نحوه‌ی ارتباط آن با روح است؛ زیرا پودگله، به ذاته، شعور ندارد، اما روح دارای کیفیت شعور، به واسطه‌ی فعالیت‌های ذهنی، گفتاری و بدنی، ذرات پودگله را مستعد برای تبدیل به ماده‌ی کره‌ایمی‌کند، و ماده‌ی کره‌ای نیز نوع کالبد و فعالیت‌های دم و بازدم آن را ایجاد می‌کند. تعامل ماده با روح ازلی و ابدی می‌باشد؛ زیرا همه‌ی صور حیاتی از زمان بی‌آغاز، وجود داشته‌اند و زمانی را نمی‌توان تصور کرد که هیچ ریختی از ماده وجود نداشته و در یک مقطع زمانی خاصی پدید آمده باشد؛ یا زمانی را نمی‌توان تصور کرد که در آن زمان ارواح همه آزاد بوده و سپس برخیا همه‌ی آن‌ها با ماده‌ی کره‌ای اسیر شده باشند، این‌گونه است که تصور هر خالق‌ی برای جهان هستی منتفی است (Sikdar, 1991, pp:271-299).

اجیوه که جوهر غیرزنده و بدون آگاهی جهان است و همچون جیوه ازلی می‌باشد، به پنج بخش تقسیم می‌شود:

خوردنی‌های آیینی، نیایش و دیگر مراسم دینی همچون مرده‌سوزی، زیارت، غسل و نظیر آن. در آیین جینه جنبه‌ی عام کره اهمیت بیشتری دارد که با اصل اهیمنسا مرتبط و حتی آن جنبه‌های خاص کره که ناقض اهیمنسا است (قربانی)، به شدت مورد تقبیح و رد و انکار واقع می‌شود. (P 1.2009, & Jones, 2005, Vol.08, Amin) (p5093).

۲-۱. جیوه: جیوه از ریشه‌ی سنسکریت به معنای زندگی کردن و زیستن است. جیوه به معنای زنده و جاندار در مقابل بی‌جان می‌باشد. هر شی‌ای که دارای روح باشد در واقع به اعتبار داشتن روح، جاندار به حساب می‌آید. بر این اساس جیوه را معادل روح می‌دانند. جیوه، در متافیزیک جینه، به عنوان یک ذات، جوهری واقعی (Sat) است و سه مشخصه‌ی کون و فساد و ثبات (دوام) را در خود دارد و از این لحاظ با اجیوه تفاوتی ندارد. فساد بدین معناست که وقتی روح منتقل می‌شود، ریختی ابعاد آن تغییر می‌کند، هر فرمی در واقع یک حالت متغیر (Paryya) به‌شمار می‌آید. ثبات یا دوام دو معنا دارد؛ یکی ازلی بودن (فرازمانی) که آن هیچ‌گاه نابود نمی‌شود و دیگر آن‌که خصلت‌ها یا سرشت حقیقی روح یا صفات اصلی آن در طی فرآیند انتقال همواره حفظ می‌شود. کون یا پیدایش در واقع همان مفهوم انتقال روح از یک کالبد به کالبد دیگر است، با زوال یک کالبد، روح منتقل شده در کالبدی دیگر ظهور می‌یابد. (www.jainsamaj.org)

(Deusch & Dalvi, 2004, P140)

در تقسیم‌بندی دیگری، جیوه‌ها براساس مقدار احساساتی که دارند طبقه‌بندی می‌شوند. براین اساس، پست‌ترین طبقه موجودات، گیاهانند که فقط دارای حس بساواپی‌اند. بعد از آن حشراتند، که غیر از حس بساواپی، حواس چشایی و بویایی دارند؛ و سپس حیوانات قرار دارند که دارای حواس پنج‌گانه‌اند و بالاتر از تمام این‌ها

به‌عنوان نفس یا خود را شامل می‌گردد. «آیا» در متون اولیه جینه معنی اوپنیشدی می‌دهد. برخی تمایز جیوه و «آیا» را به‌وضوح قابل درک نمی‌دانند، اما «آیا» را اشاره‌ای به من می‌دانند به‌خصوص وقتی به‌عنوان مفهومی برای معرفت، احساسات و اعمال موجودات بشری منحصر به فرد استفاده می‌شود. این مفهوم به زمانی مربوط می‌شود که روح توسط آثار کره‌ای دربرگرفته شده‌است؛ یعنی همان مفهوم خود نه روح در مقام خالص آن (Flügel, 2006, p: 212). به عقیده جینه وقتی روح وارد بدن مادی می‌گردد بخشی از خود می‌شود (Schubring, 1962, p: 152). فلسفه جینه از طریق جستجو در باب مفهوم خود که در جهان متغیر پدیده‌ها، غیرقابل تغییر و خود موجود می‌باشد، به مفهوم روح نرسیده است، بلکه به‌واسطه درک زندگی به آن پی‌برده‌است. برای جینه روح همان زندگی است که با خود یکسان است (Jacobi, 1908, p: 3).

جیوه، جوهر ذی شعوری است که غیرفیزیکی، بی‌رنگ، بی‌بو و بی‌طعم است، اما در عین حال ادراک‌کننده می‌باشد. آگاهی و نمود، دو مشخصه ذاتی جیوه هستند. آگاهی یا شعور بیان‌کننده ساختار و بنیان جیوه است، اما نمود، تنها به کارکرد جیوه اشاره دارد. هوش و بصیرت دو نمود آگاهی هستند (Kachhara, 2011). شخص به وسیله نمود و آگاهی ایجاد می‌شود. هیچ جیوه‌ای بدون این دو کیفیت نیست و این دو هم بدون جیوه معنا ندارند. (Bhandari, 2011, p: 28) شعور، خصیصه ذاتی روح است و دگرگون نمی‌شود، ولی خاصیت‌های عرضی روح، لذت و الم هستند که دستخوش دگرگونی هستند. (چاترجی و داتا، ۱۳۸۴: ص ۲۲۲)

۳- امر ثابت و متغیر

به اعتقاد جینه در خارج، صفات و حالات متغیر و یا

۱. اذهرمه (dharma): حرکت

۲. اذهرمه (Adharma): اصل سکون

۳. اکاشه (Akāsha): مکان

۴. کاله (kāla): زمان

۵. بودگله (pudgala): ماده (تیواری، ۱۳۸۱: ۸۸).

در این بین، اذهرمه و اذهرمه دو اصل خاص جینه هستند که تبیین جینی از عالم را بسیار عملی می‌کنند. (اباذری، ۱۳۷۲: ۱، ۸۸)

۴-۱. سمساره: چرخه مرگ و زندگی دوباره در متون جینی و هندویی تنها برای انتقال روان از یک کالبد به کالبد دیگر از اصطلاح سمساره استفاده می‌شود. این اصطلاح شامل تغییر ظاهری جسم نیست. سمساره، از ریشه‌ی سنسکریت «سار» می‌باشد که به معانی مختلف «جاری شدن» «لبریز شدن»، «دویدن به سرعت» یا «سُر خوردن» و «نرم پریدن» است. از این ریشه مفاهیم سیالیت، سریان، تندی و شتاب، برداشت می‌شود. این ریشه فعلی با پیشوند «sam/سم» که به معنای «با» «همدیگر» و معادل فارسی هم، می‌باشد، تشکیل واژه‌ی «سمساره» را می‌دهد که در اصطلاح به معنای «جاری شدن با هم» یا «هم رفتن» (فرو رفتن) است. (Herman, 2000, pp: 146-147)

۲- شناسه روح در آیین «جینه»

روح در آیین «جینه» با عنوان عمومی جیوه (jiva) شناخته می‌شود. جیوه به عنوان یک مفهوم در متون اولیه مثل rānga sūtraācĀ دیده نمی‌شود و صرفاً، به واژه «آیا» (āyā) اشاره شده است (Dundas, 1992, p: 38). «آیا» معادل پرکریت آتمن (prakrit ātman) در سنسکریت است و مجموعه‌ای از معانی را دارا می‌باشد. در اوپنیشدها آتمن، هم بر عنصری به‌عنوان روح که در بازتولدهای مکرر زندگی نقش دارد، دلالت می‌کند، و هم ماهیتشخص

نمی‌توانیم زمانی را تصور کنیم که در آکاشه^۲ فقط ذراتی وجود داشته و سپس این ذرات با یکدیگر ترکیب یافته و فرم‌های مختلف ماده را به وجود آورده‌باشند، بلکه همیشه و همواره ذرات اصلی و اجسام مرکب که نتیجه‌ی بروز حالات متغیر ذات هستند در عالم وجود داشته و دارند. از زمانی که جوهر ماده، وجود داشته حالات متغیر ماده نظیر رنگ‌های مختلف نیز وجود داشته است. بر این اساس ارواح رهایافته و ارواح اسیر در ماده کرمه‌ای که بر حسب تنزل و تعالی حالات مختلف شعور و آگاهی را دارند از ازل بوده‌اند و پایانی برای آن‌ها نیست.

روح، هرگز آفریده نمی‌شود و از بین نمی‌رود. (Bulter, 2011). ارواح ذی‌شعور بخشی از روان‌های دیگر و یا روان متعالی نیستند، هر روح، آگاهی نامتناهی دارد و جهان نامتناهی را می‌شناسد (Bosman, n.d) ارواح همگی در آگاهی و هوشیاری یکسانند، اما توسعه و پیشرفت شبیه به هم ندارند و این بخاطر وابستگی کرمه‌ای و کالبدی است که در آن گرفتارند. با وجود اینکه همه ارواح شبیه هم هستند و تفاوتشان در جسم کرمه‌ای است که عرصه متفاوتی را برای پیشرفت روح فراهم می‌کنند (Tater, 2007: ch1.1). جینه وجود منبع و خاستگاه مشترک برای ارواح را نمی‌پذیرد و از برهنه، به معنایی که در آیین هندو دیده می‌شود، در آیین جینه سخن گفته نمی‌شود. باید در نظر داشت که وقتی منشأ ارواح یکسان دانسته نشده است، مقصد و جایگاه نهایی آن‌ها هم بازگشت به این کل جدا شده از آن نمی‌باشد.

۴- اقسام روح

در فلسفه جینه به دو نوع روح اشاره شده است: موندانه (Mundane) مرتبط با جسم کرمه‌ای و گرفتار باز- زایش و تناسخ که سمساری هم خوانده می‌شوند. و این گروه، دو قسم است:

پریایه (paryāya) وجود دارد و همچنین امر ثابتی که حقیقت و سرشت هر چیزی به آن وابسته و همیشه ازلی و ابدی است، که اصطلاحاً به آن درویه (darvya) گویند. آچاریه‌های (Acharya) جینیا همان معلمان و مرشدان معنوی، تمایز بین ذات و صفات را بدین منظور ابراز کردند که بر اساس آن بتوان به این پرسش جواب داد که چگونه است که درویه در طول زمان، به ظاهر، تغییر می‌کند، ولی سرشت آن همواره ثابت می‌ماند؛ مثلاً: ماده، علی‌رغم تغییرات همچنان ماده است و به ذات دیگری مثل روح تبدیل نمی‌شود (Sikdar, 1991: 2-3)، لذا روح همیشه روح، و ماده، ماده است. صفات در عین این‌که قابل تغییر هستند، اما قابل تبدیل نیستند، یعنی کیفیت خاص نمی‌تواند اساس پیدایش کیفیت دیگر شود؛ مثلاً کیفیت بو نمی‌تواند اساس پیدایش کیفیتی دیگر نظیر رنگ شود. مطلب قابل توجه این‌که صفات ثابت یک ذات در همه‌ی ذرات یا انواع آن ثابت است؛ یعنی همان کیفیاتی که در ذرات ماده‌ییک انسان وجود دارد، در ذرات ماده‌ییک چوب نیز همان کیفیات هست؛ زیرا اگر این‌گونه نبود، چوب و انسان از جنبه ذاتی دو چیز متفاوت از یکدیگر می‌شدند و حال آن‌که هر دو سرشت مادی دارند. (Jain, 1992: 129-130)

در فلسفه جینه صفات، جزء لاینفک ذات می‌باشند که بدون آن موجودیتی ندارند، بدین‌سان هر دو هم‌زمان با یکدیگر وجود دارند. خود صفات، به‌عنوان علل (kāranas) و پریایه‌ها تغییر آن به‌عنوان معلول (kāryas) شناخته می‌شوند؛ مثلاً: رنگ (Varna) صفت است، ولی حالات مختلف رنگ (varnapary āyas) معلول هستند. حالات متغیر یک جوهر، مثلاً ماده، نیز هم‌چون خود ماده و صفات آن ازلی و ابدی هستند، زیرا خالقی برای این جهان متصور نیست و لذا نمی‌توان گفت: زمانی بوده که ذات موجود بود، ولی حالات متغیر وجود نداشته،

شخصیتی جدا و متفاوت برای هر روح ایجاد می‌کنند (Warren, 1912: 9-10). آمیختگی روح و بدن به مخلوط شدن آب و شیر تشبیه شده که ظاهراً یک چیز هست، اما در واقع دو جوهر متفاوت با هم ترکیب شده‌اند. (Savla, n.d: 15)

به اعتقاد جینه، روح در درجه نخست یک موجود زنده است که اصل آن کاملاً با ماده متفاوت می‌باشد. تمام اجزا و بخش‌های وجود یک موجود زنده دارای شعور است و چنانچه شعور را، خصیصه روح بدانیم، ناگزیریم بگوییم روح در همه بخش‌های یک موجود زنده حضور دارد. باید توجه کرد که جین‌ها معتقدند روح تمامی بدن را اشغال می‌کند و جایی از بدن نیست که از رخنه آن در امان باشد. هر جا حس و ادراکی بتوان یافت، روح نیز در آنجا حاضر است. این حالت را می‌توان به چراغی تشبیه کرد که اتاقی را روشن می‌سازد. (اباذری، ۱۳۷۲: ۱، ۳۵۵) همان‌طور که بدن فضا را اشغال می‌کند، روحی که در تمام اعضا و جوارح آن حضور دارد نیز، باید فضا را اشغال کند. این مطلب مورد وفاق برخی فیلسوفان هندی نیز می‌باشد. اشغال فضا، توسط روح مانند؛ اشغال فضا توسط جسم نیست و صرفاً به این معناست که روح در همه اجزا و بخش‌های فضا وجود دارد و مانند جسم نیست که اگر جایی را اشغال کرد جسم دیگری نتواند به آن وارد شود، بلکه حضور روح که مانند نور است مانع از حضور روح دیگر در آن فضای خاص نمی‌شود، یعنی دو یا چند روح می‌توانند با هم در یک زمان و ر یک مکان حضور داشته باشند. جیوه، مانند نور در سراسر بدنی که در آن جای گرفته، پراکنده و منتشر می‌شود و به همه جای آن شعور و آگاهی می‌بخشد. با آن‌که جیوه بی‌شکل است، مانند نور اندازه و قامت بدنی را به خود می‌گیرد که در آن قرار یافته‌است. با این وصف، روحی که بی‌شکل پنداشته می‌شود، دارای بعد گشته و فضا را اشغال می‌کند. در

الف- ترسه جیوه (Trasa Jiva) که به‌طور ارادی قادر به حرکتند، در سه نوع مذکر، مونث و جنس سوم، در قالب انسان، حیوان، حشره و مانند آن.

ب- استهوره (Sthavara) که نمی‌توانند حرکت کنند؛ مثل سنگ و درخت و آب و امثال آن در سه قسم اوپکایه (Upkaya)، پرتویکایه (Prithvikaya) و ونسپتیکایه (Vanaspatikaya).

جیوه آزاد شده، خلاصیافته از جسم کرمه‌ای و باز-زایش و تناسخ (Tater, 2007: ch1.1). ارواح آزاد را با نام‌هایی چون موکته‌تمه (muktatma) و سیدذهه (siddha) هم می‌شناسند.^۳

(<http://jainsquare.com/2012/03/26/jainism-encyclopedia-volume-viii-universe>)

ارواح به‌لحاظ توسعه‌یافتگی معنوی نسبت به کسب آزادی نیز به دو دسته ارواح مستعد بھویه (bhavya) و ارواح نامستعد، ابھویه (abhavya) تقسیم می‌شوند. (Dundas, 1992: 105).

۵- رابطه روح و بدن

دو ویژگی در موجودات اعم از انسان، حیوان، شیاطین و فرشتگان وجود دارد: گروه اول ویژگی قابل مشاهده، لمس و توانایی حرکت داشتن و گروه دوم، حساس و خود فعال بودن و آگاهی داشتن، می‌باشد. گروه دوم هیچ‌وقت توسط ماده فیزیکی خالص پدیدار نمی‌شود، اما گروه اول از ماده نشأت می‌گیرد. بنابراین موجودات از ترکیب دو نوع جوهر متفاوت به‌نام روح و بدن ایجاد شده‌اند. بدن مادی، موقتی است و از سلول‌هایی ترکیب شده که پیوسته می‌آیند و می‌روند. حال آن‌که، روح جوهر غیرقابل تجزیه، تفکیک‌ناپذیر و یکنواخت است. کیفیت‌های آن (guna) آمدنی و رفتنی نیستند و هرگز در روحی دیگر ادغام نمی‌شوند. این گروه دوم با همه دگرگونی‌هایشان (پریایه)

تبدیل می‌شود و به صورت عامل بالقوه همه تجارب، امیال و استعدادها را در خود ذخیره نگاه می‌دارد. این حالت را به شخصیت تعبیر کرده‌اند. تجربیات و نیروهای خود شخص به ذرات مادی دگرگون می‌شوند که جیوه آن را در زمان جدایی از بدن حمل می‌کند. این کرمه پودگله‌ی جیوه، اساس فیزیکی برای زندگی آینده است که به آن کرمه شریره هم می‌گویند. کرمه در طول زندگی روح و تا زمانی که روح به آزادی برسد با آن همراه است. این‌گونه است که فلسفه جینه فناپذیری ماده و پیوستگی جنبش کرمه‌ای را شرح می‌دهد (Nahar & Ghosh, 1917: 317-318).

کرمه پدیده‌ای است که در زمان رخ می‌دهد، درحالی‌که روح فراتر از زمان و علت است، اما برای ایجاد زنجیر علی و معلولی به پایین (زمان) نزول می‌کند. چگونه چنین اتفاقی رخ می‌دهد؟ و چرا چیزی که ذاتا خالص و پاک است، آلوده و ناپاک می‌شود؟ این سؤالی است که آیین جینه پاسخ واضحی برای آن ندارد. باید در نظر گرفت که کرمه نمی‌تواند قدیم‌تر از روح باشد. جیوه، خود موجود است و چیزی برای ساخت آن لازم نیست. اما این دو با هم ارتباط دارند تا پدیده‌ها را به وجود آورند. (Nahar & Ghosh, 1917: 282-284). با آن‌که کرمه کیفیت‌های روح را پنهان می‌کند و روح تحت اسارت کرمه‌ای، خودش را فراموش می‌کند و چیزی غیر از آنچه هست می‌پندارد^۴ (Benarsi Dass, 1902: 56) ارتباط همیشگی آن‌ها همچنان ادامه دارد. در این بین بایستی میل و کششی برای ایجاد این ارتباط وجود داشته باشد که جیوه را ناگزیر در این چرخه گرفتار کند؛ روح در مواجهه با کرمه به دستمال مرطوبی تشبیه شده که ذرات گرد و غبار کرمه‌ای را جذب می‌کند (Dundas, 2002: 97). این ویژگی را باید برای همه ارواح در نظر بگیریم، چون ارتباط روح و کرمه لازمه زندگی روح متجسم است.

اینحالت، روح دیگر بی‌نهایت و بی‌کران نیست، بلکه قلمرو و حدود آن با بدن تعیین می‌شود.

کرمه فیزیکی، باعث ظهور روح در بدن می‌شود و وقتی جیوه متقابلا در جهان خاکی اثر می‌کند، آگاهی، از چندین راه خودش را آشکار می‌سازد: معرفت، احساس، شوق و هیجان، میل و خواسته، منش و رفتار، درک درد و لذت. با این توصیف نباید جیوه را با ذهن یکی دانست؛ چون ذهن فیزیکی، مشخصه خاص جیوه، یعنی آگاهی را دارا نیست و تنها وقتی به آن واجد می‌گردد که آگاهی در قالب تفکرات و اعتقادات و هیجانات و احساسات و خواسته‌ها نمود می‌کند، همه این فعالیت‌ها متأثر از کرمه هستند. روح، برای اعمالش نهادی جداگانه ایجاد می‌کند که همان ذهن است (Kachhara, 2011). روحی که فطرتا پاک و منزه است، به‌مرور آلوده به کرمه می‌شود و برای درک اشیا، به حواس احتیاج دارد. حواس، دریچه درک اشیا برای جیوه هستند. جیوه نیز به حواس روشنایی می‌افکند و در واقع قوه مدرکه همان جیوه است. در رساله جینه واتیکه (Jainavattika) آمده است که حس وجود ندارد، بلکه حس همان جیوه است. (شایگان، ۱۳۷۵: ۱، ۲۰۰-۱۹۹) به این ترتیب روح در بدن مادی و در تماس با جهان بیرونی عمل می‌کند.

۶- کرمه و روح

کرمه در ارتباط با جیوه به معنای فعالیت‌های گذشته یا انرژی‌ها و نیروهایی است که چگونگی زندگی بعدی را تعیین می‌کنند. اما انرژی‌ها و نیروها به خودی‌خود بی‌شکل هستند و نمی‌توانند باعث عمل یا عکس‌العملی در چیزهای دیگر شده و یا تغییری در آن‌ها ایجاد کنند. مگر این‌که به‌عنوان انرژی گذشته جیوه خود تغییر کرده و دگرگون شود، شکل بگیرد و نیروها را متمرکز کند. به این ترتیب فعالیت و انرژی گذشته به ذرات کرمه‌ای

حال وقتی که روح از تجسم خارج می‌شود، چه اتفاقی برای ویژگی روح می‌افتد؟ آیا روح که یکی از صفاتش ثابت‌بودن است، تغییر می‌کند؟ در تبیین این موضوع به ویژگی بالقوه روح باید اشاره کرد، که با این‌که در ارواح مختلف، متفاوت است، اما خدشه‌ای به یکسان بودن خصوصیات کلی ارواح وارد نمی‌کند. این ویژگی بالقوه را قابلیت می‌نامیم و نمی‌توان با قاطعیت گفت: همه ارواح به‌طور یکسان از آن برخوردارند. از آن‌جا که همیشه در هر دوره زمانی ارواحی باقی می‌مانند که به رهایی نمی‌رسند، باید تفاوتی بین آن‌ها باشد. در شرح این مطلب مثال دانه‌های لوییا را بیان کرده‌اند که با وجود شباهت ظاهری به همدیگر، فقط بعد از پخت می‌توان فهمید که کدامیک قابل پختن بوده و کدامیک فاقد آن هستند؛ البته تشخیص این موضوع از عهده هر کسی خارج است و فقط ارواح آزاد به آن واقفند (Flügel, 2006: 112). حال با وجود داشتن قابلیت رسیدن به رهایی ارواحی که ذرات کرمه را به خود جذب کرده‌اند، پس نجات زمانی نهایی می‌شود که سموره (Samvara) و نیرجرا (Nirjarā)، که شاید بتوان آن را معادل واژه تخلیه و تزکیه گرفت، به معنی انجام اعمال اخلاقی، مانند؛ عدم خشونت به‌صورت مطلق و عدم وابستگی به مادیات و... و همچنین ریاضت‌های سخت جسمانی است، حاصل می‌شود، و بدین‌سان، نمناکی دستمال مرطوب از بین‌رفته و دیگر کرمه‌ای به آن جذب نمی‌شود. با این توضیح، همچنان روح ثابت و فقط ویژگی بالقوه آن به فعلیت رسیده‌است. صرف نظر از آنچه بیان شد، واضح است که برتری خواص و ویژگی‌های روح بر بدن باعث می‌شود که با وجود آلودگی به کرمه فیزیکی، هویتی منحصر به‌خود داشته‌باشد.

۷- ویژگی‌های روح با وجود آلودگی به کرمه

تمام جیوه‌ها در حالت عادی به جز معدودی از ارواح پاک، رنگی از کرمه در خود دارند، که از زمان ازل با آن‌ها ممزوج شده است (اباذری، ۱۳۷۲: ۳۵۵). با آن‌که روح، داننده چیزها و عامل اعمال است، از خوشی‌ها لذت و از ناخوشی‌ها رنج می‌برد و از آن‌جا که آشکارکننده و متجلی‌سازنده خود و دیگر اشیای جهان می‌باشد، دچار دگرگونی شده و حالات و وضعیت‌های گوناگونی به خود می‌گیرد (چاترجی و داتا، ۱۳۸۴: ۲۳۰) با این حال ماهیتی جدا از بدن دارد. بر اساس فلسفه جینه که روح را داننده می‌داند، باید بگوییم که شنوایی نه از راه گوش، بلکه از طریق روح است. بینایی نه از راه چشم، بلکه از طریق روح است و همین‌طور در مورد صفات جسمانی مثلاً نباید بگوییم من چاق هستم، بلکه باید گفت: بدن من چاق است. با تمام این اوصاف، روح با کرمه و بدن فیزیکی ارتباط تنگاتنگی دارد. اما باید توجه داشت که از آن‌جایی که ضعف‌ها و ناتوانی‌ها را به روح نسبت نمی‌دهیم، بلکه به بدن فیزیکی ربط می‌دهیم، پس باید مشخصه‌ها و قدرتهای خاصی برای روح در نظر گرفته‌شده‌باشد که آن‌را از بدن فیزیکی جدا می‌کند. «آچاریه امریت چندره» در شرح قدرتهای خاص روح به ۴۷ مورد اشاره می‌کند (Kachhara, n.d) که در حوصله این نوشتار نمی‌گنجد.

۸- مرگ و سرنوشت روح بعد از آن

فلسفه جینه اساساً یک جهان‌بینی معنوی است که در آن آزادی نهایی از وضعیت زندگی این دنیا به‌عنوان پایان رنج دائمی مطرح می‌شود. این فلسفه یکی از قدرتمندترین فلسفه‌هایی است که به حقوق و شأن موجودات مختلف احترامی ویژه می‌گذارد. (Rani & Rudi, 2006: 03.ahimsa) این احترام از اعتقاد به برابری بالقوه ارواح ناشی می‌شود (چاترجی و داتا، ۱۳۸۴: ۲۵۲) که با توجه

کرمه‌هایی که جذب شده و یا جدا شده‌اند، تغییر می‌کند. در هنگام مرگ، این کالبد کرمه‌ای روح را همراهی می‌کند و بنیان بدن جدیدی را که تولد دوباره می‌یابد، ایجاد می‌کند (Bhandari, 2011: 30). به این ترتیب چرخه تولد و مرگ همچنان در حرکت است.

وضع کنونی بشر همانا زندگی در اسارت می‌باشد که معلول کرمه خود اوست. اعمالی که از روی دلبستگی انجام شوند برای روح کشنده‌اند و همین اعمالند که تولد دوباره را سبب می‌شوند. روح بر حسب گرایش‌هایی که به‌خاطر اعمال گذشته پیدا کرده‌است، به‌طور متوالی از بدن‌های گوناگون رحل اقامت می‌افکند و به‌علت وابستگی به ماده، ماهیت اصلی خویش را فراموش می‌کند. تا زمانی که تمام ثمره‌های اعمالی که با دلبستگی انجام گرفته‌اند پایان نیابند، انسان پس از مرگ این بدن، باید در قالب بدن دیگری تولد یابد. آنچه که باعث اسارت روح در بدن می‌شود، جوهر سخت (kasaya) است که شامل خشم، غرور، شیفتگی، حرص و دیگر امیال می‌باشد. این جوهر که منجر به کرمه^۵ می‌شود، در مجموع همان زندگی گذشته روح و شامل همه فعالیت‌ها و افکار و سخنانی است که باعث میل و کشش و اشتیاق قوی می‌شود و به‌نوبه خود روح را به ساختن بدنی خاص با ساختاری خاص از مواد هدایت می‌کند. انواع و تعداد ذرات مرتبط با روح را کرمه تعیین می‌کند. رسوخ این مواد کرمه‌ای (karma pudgala) به روح را نفوذ کرمه (asrava) می‌گویند (Srivastava, 2010). افکار و اعمال یک شخص بر روی روح او تأثیر می‌گذارد. این اثر توسط کرمه ورجنا (karma vargaṇ ā) حفظ می‌شود که به‌عنوان کرمه شریره یا کالبد کرمه‌ای هم شناخته می‌شود و باعث انتقال احساسات و اثرات ناشی از آن به همراه روح از بدنی به بدن دیگر می‌شود. روح و جسم کرمه‌ای از ازل با هم بوده‌اند و این پرسش که اول کدامیک بوده است

به شایستگی کرمه‌ای در کالبدی گرفتارند و برای آزادی از تولدهای مکرر موظف به رعایت اصول اخلاقی آیین جینه می‌باشند.

سرنوشت روح، پس از مرگ در آیین جینه بسیار شبیه به آیین هندو می‌باشد و آنچه که به‌عنوان تفاوت این دو به چشم می‌آید، کمال روح و ماهیت آن است. زندگی پس از مرگ در فلسفه جینه از دو حالت خارج نیست: تناسخ یا تولد دوباره، یعنی انتقال روح از بدن کهنه به بدن تازه یا مکشها رهایی نهایی روح از زنجیره تولدهای مکرر (تیواری، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۴).

۹- روح در چرخه تناسخ

در شرح احوال روح به هنگام تناسخ، با ۹ واقعیتهای (Nava Tattva) که در فلسفه جینه در باب روح و زندگی‌اش در کالبد موجودات مطرح شده مواجه هستیم.

۱- روح (jiva) ۲- غیر روح (ajiva) ۳- شایستگی (punya) ۴- عدم شایستگی یا گناه (papa) ۵- نفوذ کرمه (asrava) ۶- ممانعت از نفوذ مواد کرمه‌ای (samvara) ۷- اسارت (bandha) ۸- ریزش مواد کرمه‌ای (nirjara) ۱۰- آزادی (muksha). (Tater, n.d).

جیوه و اجیوه، اصول ماوراءالطبیعی و هستی‌شناسی جینه هستند و آن‌ها با استفاده از این دو مقوله و اشتقاقیات آن درصددند که ساختار کیهان را توضیح دهند. تمامی جهان از دو مقوله جاودانه، غیرمخلوق و مستقل جیوه (آگاهی روح) و اجیوه (آگاهی تن) تشکیل شده‌است (Radhakrishnan & Moore, 1960: 251). روح و ماده برهم اثر می‌کنند بدون این‌که چیزی از کیفیت ذاتیشان کم شود. جیوه هرگز به اجیوه تبدیل نمی‌شود، هر دوی آن‌ها واقعی هستند. هر عملی به‌وسیله جیوه منجر به نهاد فیزیکی-روانی یا همان کرمه شریره می‌شود. کرمه شریره حاوی مواد کرمه‌ای است و هر لحظه به‌عنوان

گیاهو غیره تغذیه می‌کند و همواره به زمین، گیاه، آب، هوا و آتش وابسته است. بدن‌های حاصل از این آفرینش، در سرزمین‌ها و آب و هواهای متفاوت و در قالب نژادهای گوناگون متولد می‌شوند (Tater, 2007: Ch2.1).

چهار وضعیت برای ارواح گرفتار در کالبد کرمه‌ای، عنوان شده‌است:

دیوه‌گتی (Devagati) موجودات الوهی که در آسمان زندگی می‌کنند با طول عمر حداقل ده هزار سال و در لذت دائمی با بدن لطیف (Astral) همچون دوه‌ها؛ شایستگی والای روح باعث می‌شود به این حالت برسد و برای مدت طولانی در این وضعیت زندگی کرده و لذت‌برد.

نرکی‌گتی (Narakigati) موجودات شریر و دوزخیان که در رنج و درد دائمی و شکنجه و سختی، بدون هیچ استراحتی با بدن لطیف به سر می‌برند. روح ممکن است حتی به طبقه هفتم دوزخ برود و تا مدت طولانی در رنج و درد شدید بماند.

تیرینچه‌گتی (Tiryanchagati) حیوانات، پرندگان، ماهی‌ها، حشرات، کرم‌ها، درختان، گیاهان، آب، زمین، هوا، آتش و در انواع مختلف بدن‌ها داراییک تا پنج حس. منوشیه‌گتی (Manuṣ yagati) وضعیت انسانی با تفاوت‌های شخصیتی و جسمانی. متمایز در ملیت، پارسایی، خشونت و شفقت، کمال و نقص جسمی، جایگاه اجتماعی و امثال آن (www.jainsquare.com).

۸۴۰۰۰۰۰ یونی (Yoni) (زهدان) برای روح وجود دارد تا در آن متولد شود. او در همه گاتی‌ها (Gati) (سپهر خدایان، انسان‌ها، حیوانات، دوزخیان) بارها و بارها سیر می‌کند. گذر از یک زهدان به زهدان دیگر، یک داستان مبهم و اسرارآمیزی است که گویا در فلسفه جین به تمام و کمال تبیین نگردیده‌است.

وقتی روح به کرمه‌ای دست می‌یابد، بدن شروع به

همچون سؤال مرغ و تخم‌مرغ بی‌معناست. فقط در حالت رهایی، جسم کرمه‌ای از روح جدا می‌شود و روح به حالت اصلی و خالصش برمی‌گردد (Tater, 2007: Ch1.1). این امر مستلزم ممانعت از رسوخ مواد جدید به روح (samvara) و همچنین حذف کامل موادی است که در حال حاضر سخت شده‌اند (Srivastava, nirjara) (2010). آیین‌جینه برای این مطلب مثال زیبایی کشتی سوراخ در دریای طوفانی را مطرح می‌کند که مسافرین کشتی برای نجات از طوفان و رسیدن به ساحل نجات که همان کواله (Kevāla) است باید نخست سوراخ‌های کشتی را ببوشانند (نماد سموره) و سپس باید آب‌هایی که پیش از آن وارد کشتی شده را خارج کنند (نماد نیرجرا) (Arthur, L, Herman, op. cit, p. 97).

۱۰- کالبد‌های گوناگون برای زندگی روح

در تیرته‌نکره دوه (Tirthankara deva) که از متون مقدس جینه می‌باشد، موجودات به چند دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای در سرزمین خدایان متولد می‌شوند و عده‌ای دیگر در سرزمین‌های زیرین و در بین موجودات دوزخی. بعضی‌ها از نژاد برتر هستند و بعضی دیگر از نژاد پست. همه این موجودات بنابر منشا و محیطشان متولد می‌شوند. کرمه‌های زندگی قبلی عاملی است که در این تولد مجدد دخالت دارد. بدن کرمه‌ای ایجاد شده از آمیزش دو جنس نر و ماده، که تنها گذرگاهی برای عبور روح می‌باشد، در زهدان ماده رشد می‌کند. روح در رحم ماده متجسم می‌شود و از مواد چربی‌مانند، به‌عنوان غذا تغذیه می‌کند. وقتی روح در رحم واقع می‌شود ابتدا جوهر نر و ماده را ترکیب می‌کند و سپس با تغذیه مادر، موجود زشت و کثیف حاصل از این ترکیب، رشد می‌کند و وقتی کامل شد به‌عنوان یک موجود نر یا ماده متولد می‌شود. موجود متولد شده از شیر مادر، گندم، برنج،

آیین جینه و به خصوص ریاضت خاص آن است که در جهت حفظ جیوه از نفوذ مواد کرمه‌ای و زدودن کرمه‌های گذشته می‌باشد تا روح را به حالت خالص خود برساند. با وجود تفاوتی که در ارواح موجودات مختلف دیده می‌شود و تغییراتی که روح برای رسیدن به کمال باید متحمل آن‌ها شود، متغیر بودن روح مطرح می‌شود و به نظر می‌رسد این وضعیت، مستقل بودن آن را زیر سؤال می‌برد. در توضیح این مسئله باید گفت: زمان در کیهان‌شناسی جینه هم نسبی و هم ازلی است. البته به نظر می‌رسد نسبی بودن زمان به خاطر دوره‌های زندگی ارواح است که با بدست آوردن شایستگی‌های لازم به مرحله کمال نزدیک‌تر می‌شوند. حال در این زمان نسبی یا تجربی که منعکس‌کننده نتیجه روابط بین موجودات یا همان آثار کرمه‌ای است، روح، متغیر می‌شود. اما زمان ازلی فقط ظرفیتی برای ایجاد این تغییر است و روح در طول آن مشخصه‌های مستقلی دارد. «توارته سوتره» (Tattvarthasutra) شرح می‌دهد که ارواح رهایی یافته می‌توانند تفاوت داشته باشند. آن‌ها در سرزمین، زمان، زادبوم، جنسیت و ظاهر، رفتار، خودروشن‌شدگی، دیگرروشن‌شدگی، دانش، سال‌های زیستن و دیگر خصوصیات متفاوتند (Bulter, 2011).

۱۱- رهایی و نجات روح از چرخه زندگی

بلافاصله پس از مرگ بدن جسمانی، روح به بدن جدیدی نقل مکان می‌کند. فقط روحی که بدون دل‌بستگی اعمالش را انجام داده است، راه ایمان، معرفت و رفتار درست را دنبال و زندگی همراه با گوشه‌نشینی و ترک تعلق را پیشه کرده، دوباره متولد نخواهد شد. چنین روحی از همه تعلقات آزاد می‌شود. آزادی، مرتبه روحانی نیل به کمال است. در این مرتبه روح ماهیت لایتناهی و اصلی خود را بازمی‌یابد و مجبور نیست دوباره متولد

شکل‌گیری می‌کند. پنج لایه جسمی برای هر جیوه بیان شده است:

جسم کرمه‌ای (karmana)

بدن انرژی (taijas) که به متابولیسم کمک می‌کند (Mardia, 1990, 36-115).

بدن فیزیکی (audarika) که هرگونه از موجودات آن را دارا هستند.

بدن جایگیری شده (aharaka) بدن هوشیار که در جهت رسیدن به فلسفه اصلی زندگی می‌کوشد.

بدن دگرگون شده (Vaikriya) که می‌تواند شکل و اندازه‌اش را تغییر دهد و بنابراین منجر به حلول روح در بدن‌های مختلف شود.

لازم به ذکر است که دو مورد آخر تحت شرایط خاصی ایجاد می‌شوند (Bhandari, 2011:32).

جیوه دارای قدرت خاصی است که با آن ماده را در برمی‌گیرد و باعث تغییر و تبدیل مواد می‌شود. مثلاً غذا را به انرژی مبدل می‌سازد. این قدرت (pariyapti) شش قسم است و مهمترین آن‌ها انرژی حیاتی (pran) می‌باشد. جیوه با دارا بودن این قدرت، بعد از ترک بدن قبلی به بدن جدید نفوذ کرده و به تدریج قدرت بدن و احساسات را بدست می‌آورد. مصرف غذا، بدن را توسعه می‌دهد و شکل‌دهی و قدرت‌دهی اندام‌های حسی را پیوسته به پیش می‌برد. سپس جیوه جوهر تنفس را بدست می‌آورد و در آخر قدرت ذهن را بدست می‌گیرد. ارتباط روح و جسم که مثل ارتباط دائمی آهن با طلا با سنگ معدن است، برای همیشه طول نمی‌کشد و روح می‌تواند از جسم مادی جدا شده و کاملاً خالص شود (<http://jainsquare.com/?s=origin+of+soul>).

در بین وضعیت‌های ممکن برای تجسم زندگی روح، تنها وضعیت انسانی می‌باشد که به رهایی نهایی نزدیک‌است. شرط این آزادی رعایت اصول اخلاقی

است. علت فعال نیست و نمی‌تواند موجب حرکت ماده و یا روح شود. اما اگر آن‌ها بخواهند حرکت کنند، بدون حضور ذهرمه ممکن نیست. بنابراین در انتهای جهان مادی و در منطقه ارواح رهایی‌یافته ذهرمه وجود ندارد. به همین سبب این ارواح در سکون کامل به سر می‌برند. آن‌ها قادر به حرکت نیستند؛ زیرا شرایط ضروری حرکت وجود ندارد.

اذهرمه، اصل سکون است و همانند ذهرمه در همه جا رخنه کرده‌است و آن چیزی است که به جیوه و ماده اجازه سکون می‌دهد. اذهرمه دارای کیفیات حسی نیست و مثل ذهرمه دارای ساختار منفعل، غیرفیزیکی و غیراتمی است. همان‌طور که هیچ موجودی بدون وجود ذهرمه قادر به حرکت نیست، بدون وجود اذهرمه نیز قادر به سکون نمی‌باشد (اباذری، ۱۳۷۲: ۱، ۳۶۰-۳۵۹).

هدف جینه که همان رهایی است، تحت عنوان کواله، شناخته می‌شود. کواله به معنای «به تنهایی و باستثنای همه‌ی چیزها» می‌باشد، یعنی وجودی بدون هیچ رابطه با چیز دیگری. ارواحی که از این طریق به جایگاه سیدده‌سیله، Siddha Sila می‌رسند در سعادت و سرور ابدی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند (Chande, M. B, 2000, P 68). حیاتی که با زندگی در این دنیا متفاوت است و از بُعد ماده خارج می‌باشد. آن‌ها با حفظ فردیت خود، در مکانی فراتر از این جهان گرد هم می‌آیند و همان‌طور که منشأ واحدی برایشان بیان نشد، در مبدأ هم به وحدتی برهمن گونه نمی‌رسند. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چطور، ارواح که به حالت خالص خود رسیده‌اند و در خصوصیات کلی خود با هم یکسانند، قابل ترکیب و ادغام نیستند؟ در این جا لازم است یادآور شویم که ارواح، مشخصه‌های منحصر به فردی دارند که باعث حفظ استقلال شخصیتی آن‌ها در عین شباهت با هم می‌شود. در خصوص این مشخصه‌ها، در متون جینه به دو

شود. روح پس از رسیدن به این مقام که مکشه نام دارد، به آرامش مطلق دست‌یافته و کاملاً از آلودگی‌های ماده پاک می‌شود و با درخشش اصلی خود نورافشانی می‌کند و از جهل که علت تمام آلام و مصائب است آزاد می‌شود و به چهار کیفیت نامحدود قدرت، معرفت، ایمان و آرامش نامتناهی دست می‌یابد (تیواری، ۱۳۸۱: ۹۵). ارواح آزاد شده جسم فیزیکی ندارند، آن‌ها موجودات کاملی هستند که از چرخه تولد دوباره آزاد گشته و دارای معرفت، قدرت، بصیرت، سعادت و خوشی لایتناهی می‌باشند. آن‌ها بدون درد و لذت (مادی) در هوشیاری ناب و در مقام دانندگی و بینندگی می‌باشند (Bosman, n.d).

ارواح رهایی‌یافته از کوالا جنانه (Kevala-jnana) برخوردارند که این نوع سوم معرفت است و زمانی پدید می‌آید که همه کره‌هایی که دانش را مختل می‌سازند، به‌طور کامل از روح زدوده شوند و روح به معرفت محض یا علم مطلق دست‌یابد (چاترجی و داتا، ۱۳۸۴: ۲۰۴).

ارواح در مقام کمال خود که به مرحله آزادی می‌رسند و کاملاً از قید ماده رها می‌شوند، در حالتی از سرور و بهجت مطلق به‌سرمی‌برند؛ حالتی که با آنچه که در عالم مادی با این عنوان می‌شناسیم متفاوت است. برای شرح وضعیت روح در این حالت، لازم است اجزای عالمی که روح در آن واقع شده را تبیین کنیم تا توضیح مقام کامل روح آسان‌تر باشد.

جیوه دارای حرکت درونی است و اگر بگوییم جیوه هنگام رسیدن به رهایی از حرکت باز خواهد ایستاد، حرکت درونی آن را نقض کرده‌ایم. برای رفع این تناقض، فلسفه جینه، ذهرمه و اذهرمه را به‌عنوان پیش‌فرض‌های اصلی هرگونه حرکت و سکون معرفی می‌کند.

ذهرمه، اصل حرکت بوده و تمامی جهان مادی را اشغال کرده‌است. طعم و رنگ و بو و صدا ندارد و غیر قابل لمس است. علت حرکت نیست، بلکه میانجی آن

هستند با تغییر دوره‌زمانی یا کاله چکره (Kālacakra) نابود نمی‌شوند و به دوره بعد منتقل می‌گردند. پس آیا روزی گنجایش منطقه محدود ارواح رهایی یافته به پایان خواهد رسید؟ در تبیین این موضوع ریاضیات جینه، نظریه‌ای را ارائه کرده که اعداد را به سه قسم قابل شمارش، غیرقابل شمارش و بی‌نهایت تقسیم می‌کند. اعداد قابل شمارش به‌نوبه خود سه بخش می‌باشند؛ پایین‌ترین، میانه و بالاترین. اعداد غیرقابل شمارش هم شامل اعداد تقریباً غیرقابل شمارش، کاملاً غیرقابل شمارش و بی‌اندازه غیرقابل شمارش و اعداد بی‌نهایت نیز تقریباً بی‌نهایت، کاملاً بی‌نهایت و بی‌اندازه بی‌نهایت هستند. حال در منطقه‌ای که از بی‌نهایت نقطه مکانی تشکیل شده و با این توضیح می‌توان آن را در محدوده اعداد به شمار آورد، بی‌نهایت ارواح به سر می‌برند که می‌توانند همچنان کمتر از نقاط فضای مربوطه باشند (Bulter, 2011).

سیده‌ها یا ارواح آزاد که از چرخه تولد و مرگ و کرمه و پودگله رها شده‌اند، دارای خصوصیتی از قبیل بدون احساس بودن، بدون شکل و گرسنگی و رنج و اندوه و شادمانی و تولد و پیری و مرگ و تن و کرمه هستند که آرامش بی‌پایانی را شادمانه تجربه می‌کند (اباذری، ۱۳۷۲: ۱، ۳۵۳-۳۵۲). آنان را با نام‌های دیگری چون اریهنت (Arihant)، کوالی (Kevali)، جینه (Jina)، تیرتهنکر (Tirthankar) و ویتراگی (Vitragi) نیز می‌خوانند.^۷ اریهنت‌ها معلمان زنده‌ای هستند که راه رسیدن به رهایی را نشان می‌دهند و بنابراین در ابتدا با آن‌ها پیمان می‌بندیم. «سیده‌ها» که بدن کرمه‌ای ندارند در کامیابی از «اریهنت‌ها» برترند و در جایگاه برتر جهان به‌سر می‌برند. «اریهنت‌ها» دوازده نشانه دارند. آنان تولد مجدد نمی‌یابند، چراکه تا هنگام مرگ چهار کرمه^۸ را نابود کردند، اما از آن‌جا که با سیده‌ها متفاوتند، چهار نوع کرمه دیگر^۹ باقی می‌ماند که با مرگشان آن‌ها هم

فرضیه اشاره شده‌است: نخست این‌که روح، به شکل آخرین کالبد خود باقی می‌ماند. دیگر این‌که ویژگی‌های عارضی زندگی گذشته فرد، او را متفاوت می‌کند (Bulter, 2011).

اگر بخواهیم پاسخ اول را بپذیریم به‌نظر می‌رسد استقلال روح را خصوصاً در حالت خالص خود زیر سؤال برده‌ایم، چراکه ظاهرش را وابسته به بدن قبلی دانسته‌ایم و همین‌طور اگر پاسخ دوم را قبول داشته باشیم، متغیر بودن روح را در حدی فراتر از حفظ ظاهر و حتی شخصیت او مطرح کرده‌ایم و چنانچه این تغییر به جهت رسیدن به کمال است، در مرحله کمال نباید تفاوتی دیده شود. شاید بتوان در تبیین منحصر به فرد بودن ارواح در حالت خالص خود، مثال افراد یک‌گونه را آورد که نظاره‌گر، از خارج گویا همه را به یک شکل می‌بیند و تفاوتی برای آن‌ها قائل نیست مثل دسته‌ای از گنجشکان که به راحتی نمی‌توان آن‌ها را متفاوت از هم دانست، اما آن‌ها خود قادر به تفکیک هم از روی مشخصات جزئی هستند و در واقع هر کدام مستقل از دیگری بوده و شخصیت خاص خود را دارد.

ارواح آزاد در منطقه‌ای به نام سیده‌شیل (siddhashila) به‌سر می‌برند. (Kuiper, 2011: 150) بالاترین منطقه عالم که برای آن شکل و اندازه ثابتی را بیان کرده‌اند (Bulter, 2011). با در نظر گرفتن این اندازه ثابت و وجود ارواح آزاد بی‌شماری که با هم ترکیب نمی‌شوند، چگونه این منطقه محدود گنجایش این ارواح را دارد؟ لازم است این نکته را متذکر شویم که آیین جینه، زمان ازلی را متشکل از دوره‌هایی می‌داند که از عصر طلایی شروع شده، به دوره تباهی رسیده و دوباره به عصر طلایی باز می‌گردد و این چرخه همچنان ادامه دارد. در هر کدام از این دوران، تعداد مشخصی ارواح به آزادی می‌رسند که حدود آن‌ها را ۴۸ عدد بیان کردند. ارواح که دارای صفت ازلیت و ابدیت

نابود شده و باعث زندگی دوباره نمی‌شوند. این جاست که باید گفت همه تیرتهنکرها اریهنت هستند، اما همه اریهنت‌ها تیرتهنکر نیستند (www.jainsquare.com). پیمان با اریهنت‌ها و سیده‌ها و آچاریه‌ها و اوپادیه‌ها^{۱۱} (Upadhya) و سادوها^{۱۲} (Saddhu) و سادوی‌ها^{۱۳} (Sadhvi) در نوآکارمتره^{۱۴} (Navakar mantra) ذکر شده‌است. این پیمان و عمل به راهکارهای آنان به قدری در آیین جینه اهمیت یافته که می‌تواند دلیلی بر خدا انگاشتن^{۱۵} ارواح آزاد باشد.

اما با تمام اوصافی که از جایگاه و وضعیت ارواح در حالت رهایی بیان شد، همچنان یک سؤال بی‌پاسخ مانده‌است؛ ارواح آزاد در جایگاه خود چه نقشی دارند؟ و آیا در چرخه زمان و خلقت مجدد جهان، بار دیگر نقشی را ایفا می‌کنند؟

۱۲- روح و مفهوم خدا در آیین جینه

خدانا باوری جینه، مبتنی به اعتقاد ازلی و ابدی دانستن جیوه و اجیوه و خودکفا دانستن جیوه در نجات است. مفهوم خدای هندو جنبه‌ای عمیق و وسیع را در برمی‌گیرد. محوریت این موضوع معنویت و شهودگرایی است و درک آن نه با بینش انتقادی، بلکه آگاهی درونی است. در برخی مکاتب فلسفی هندو، خدا، واقعی انگاشته شده است^{۱۶} و باید با پذیرفتن و ایمان به او در شناخت او قدم برداشت. نه دلیل، بلکه ایمان، نه بینش، بلکه بصیرت و شهود، نه مفهوم، بلکه آگاهی راه واقعی انگاشتن خدا در فلسفه هندو است. در فلسفه هند خدا تمام آن چیزی است که از آن جدا شده‌ایم. روح متعالی، آگاه مطلق، قادر مطلق، حضور مطلق، هم شخصی است و هم مجرد و غیر مشروط. عاشق این روح متعالی بودن، اعتقاد به او، وقف کردن خود در راه او و یکی شدن با او، پیام و هدف خدانشناسی هندو است (Shah, n.d).

فلسفه جینه مثل دیگر سیستم‌های فلسفی هند، مفهوم آزادی و رستگاری را پذیرفته، اما به تلاش شخصی برای شکستن زنجیر کرمه به‌عنوان علت اسارت، عقیده دارد و ستایش و فرمانبرداری از موجودی برتر را که به لطف او می‌توان به این آزادی رسید، نادیده گرفته‌است. تأکید بر تلاش شخصی برای رهایی، به‌عنوان والاترین ارزش و هدف‌نهایی زندگی شخصی قلمداد شده‌است (همه متفکرین هندو بر این عقیده استوارند که فراموش کردن حقیقت دلیل اسارت است و بدون شناخت درست حقیقت، سرشت واقعی جهان و خود، آزادی بدست نمی‌آید). از این رو خدای سوردسان یا خداییکه شادی و موهبت می‌رساند در این مکتب مطرح نیست (Ibid). تأکید بر تنفر و رویگردانی از قربانی برای خوشنودسازی قدرتی متعال و در واقع انکار وده‌ها یا همان متون مقدس هندو که این اعمال خشنوت‌آمیز را راهی برای رسیدن به نجات تلقی می‌کند و همین‌طور تأکید نداشتن بر خدای سوردسان و اعتقاد به توسعه معنوی روح برای صعود به درجات بالا و بالاتر و رسیدن به خداگونگی باعث شده که این مکتب در مقابل خدانا باوری هندو، خدانا باور و شاید بهتر است بگوییم وده‌نا باور تلقی شود. این‌گونه است که خدا به معنای خالق یگانه جهان در فلسفه جینه مطرح نمی‌باشد.

برای رسیدن به مقام خداگونگی، عمل کردن به آموزه‌های تیرتهنکرها که به آزادی رسیده‌اند، ضروریست و در ابتدا لازم است شناختی کلی از آموزه‌های جینه داشته‌باشیم و ایمانمان را توسعه بخشیم تا راهی برای شناخت معرفت حقیقی و درست، ایجاد کنیم. اما شناخت به‌خودی‌خود بی‌فایده‌است و باید با عمل همراه باشد. رفتار درست هم برای موفقیت در این راه ضروری است. با رفتار درست است که شخص می‌تواند امیال و احساسات و افکار و سخنان و اعمالش را تحت هدایت معرفت و

نفوذ کرمه جدید به آن می‌شود و روح را به مرحله‌ای می‌رساند که بعد از مرگ جسم، کاملاً از قید ماده رها شده و به مرتبه خالص خود می‌رسد. این روح در فلسفه جینه جایگاهی خداگونه دارد که مورد احترام و حتی پرستش واقع می‌شود.

روح، با عنوان عمومی جیوه، در آیین جینه، از یک نظر، اساس و بنیان اصل عدم آزار و محترم دانستن همه موجودات (اهیمسا) و از نظری دیگر تبیین‌کننده مفهوم امر متعالی در حد خدا در این آیین می‌باشد. نظریه کرمه که جایگاه مهمی در فلسفه جینه دارد، بدون در نظر گرفتن اهمیت مسأله روح، قابل توضیح نیست. با توجه به اهمیت موضوع مورد بحث، بررسی و پژوهش پیرامون این موضوع، بسیار ضروری به نظر می‌رسد و همچنان می‌توان ابعاد دیگر آن را مورد کنکاش قرار داد.

پی‌نوشت

۱- تعبیر خداگونه از جنبه‌ای درست است، چون آنان به مقام کمال مطلق در سرور، علم و قدرت رسیده‌اند، ولی از جنبه‌ای غلط‌انداز است، چون ارواح نجات‌یافته یا سیددهه هیچ تأثیری در دنیا نداشته و پرستش آنان نیز سودی ندارد. لذا مفهوم متعارف خدا برای آنان به معنی خالق و مدیر و مدبر هستی، صدق نمی‌کند.

۲- در این آیین دو فضا وجود دارد به نام کاشه و آکاشه، کاشه فضایی است که کلیه مراتب جهان درون آن قرار گرفته و آکاشه فضایی است که کاشه همراه با جهتی که دارد در درون آکاشه است (vihari, The Spirit of Indain Philosophy , p. 195).

۳- اقسام دیگری با جزئیات بیشتر در منابع مربوطه ارائه شده که ذکر آن در این‌جا از حوصله متن خارج است.

۴- چنین روحی بهیر آتمه (bahir ātma) نام دارد.

۵- برای آگاهی بیشتر از کرمه و انواع آن رجوع شود به J.

شناخت درست، کنترل‌کند. این کار نفوذ کرمه‌های جدید را متوقف می‌کند و کرمه‌های قدیمی را هم پاک می‌کند (Srivastava, 2010). در آیین جینه، تنها از طریق انجام این اعمال در حد ریاضت می‌توان به غایت نهایی، یعنی آزادی بشر از چرخه تناسخ که باعث رسیدن روح به مقام ناب و اصلی خویش می‌شود، دست‌یافت.

نتیجه

در پاسخ به سؤالات مطرح شده پیرامون مسأله روح، منشأ و عملکرد آن از نگاه آیین جینه، به خصوصیات و کیفیات روح اشاره شد.

در پاسخ به این سؤال که آیا روح به‌عنوان بعد ماورایی موجودات، خود، مخلوق و وابسته به وجودی دیگر است یا خیر، به عقیده جینه در باب خدا اشاره کردیم، که جینه به خالق جهان اعتقادی ندارد و از آن‌جا که وجود ارواح را پذیرفته، آن‌ها را ازلی-ابدی می‌داند که دارای ذات ثابت و صفات متغیر هستند.

در خصوص نحوه عملکرد روح در عالم، آیین جینه، این عنصر زنده و باشعور را منع از همراهی با ماده (اجیوه) می‌داند، ارتباطی که از ازل بوده و از بین بردن آن لازمه رهایی و نجات روح است. در اثر همراهی بین روح و ماده، کرمه ایجاد می‌شود که به‌نوبه خود باعث ارتباط‌های بعدی روح و ماده، یعنی گرفتاری در چرخه تناسخ یا بازآیش‌های مکرر می‌گردد. در چنین حالتی روح از وضعیت خالص خود دور می‌شود، اما به دلیل تمایل بالقوه‌اش برای رهایی از قید ماده، خواستار جدایی از این چرخه می‌باشد.

مسأله رهایی روح از چرخه تناسخ، بنیان فلسفه جینه است و عمل به دستورات اخلاقی این آیین به عنوان راه رهایی تأکید شده‌است. این دستورات و ریاضت‌های خاص جینه باعث زدودن کرمه از روح و جلوگیری از

می‌کنند و حتی گروه دوم آستیکه (یعنی باورمندان به متون وده‌ای و زندگی پس از مرگ) نیز مکاتبی مانند می‌مامسا هستند که خدا را به‌عنوان خالق و مدبر هستی باور ندارند.

منابع

- اباذری، یوسف (۱۳۷۲)، ادیان جهان باستان، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پزشکی، وحید (۱۳۸۸)، کرمه و سمساره در آیین جینه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- تیواری، کدارات (۱۳۸۱)، دین‌شناسی تطبیقی، ترجمه: مرضیه شنکایی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- چاترجی، ساتیش چاندر و دریندراموهان داتا (۱۳۸۴)، معرفی مکتب‌های فلسفی هند، ترجمه: فرناز ناظرزاده کرمانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- داراشکوه، محمد (۱۳۶۸)، اوپانیشد، ترجمه: تاراچند و جلالی نائینی، تهران، علمی.
- شایگان، داریوش (۱۳۷۵)، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.
- Amin Niruben. (2009), *The Science of Karma. Gnani Purush Dada Bhagwan, Ahmedabad, PatelMahavideh.*
- Benarsi Dass, Lala, (1902), *A lecture on Jainism, delivered before the Bharma Maha-Mahotsava or great religious assemblage at Muttra, Agra, Moon press.*
- Bhandari, Narendra, (2011), *Jainism: The Eternal and Universal path for enlightenment, (ed by: Acharya Vijay Nandi Ghosh), Ahmedabad, Research Institute of Scientific Secrets from Indian Oriental*

و Finegan , the Archeology of World Religions اباذری، ۱۳۷۲: ۳۵۱-۳۵۳.

۶- همه ارواح از چرخه زاد و مرگ رهاییافته و به جایگاه سعادت و پاکی که همان سیده‌سیله است، می‌رسند.

۷- البته این نام‌ها دقیقاً مترادف نیستند و تفاوت‌هایی دارد که نباید از آن غفلت کرد. مثلاً اریهنت مقامی مادون سیددهه است و تیرتهنکره تنها عنوان ۲۴ اریهنت است که رهبری انسان‌ها را به سوی نجات داشته‌اند.

۸- Jnanavarniya karma, darshahavarniya karma, antaray karma, mohniya karma.

۹- Nam karma, gotra karma, vedniya karma, ashya karma.

۱۰- معلم دینی که کتاب مقدس را دقیق و با جزئیات مطالعه می‌کند و به دیگران آموزش می‌دهد.

۱۱- مرتاضی که زندگی دنیوی را نکوهش می‌کند و برای متعالی ساختن روح ایمان به پنج پیمان بزرگ را پذیرفته‌است.

۱۲- زن مرتاض

۱۳- ترجمه متن آن ذکر به شرح ذیل می‌باشد:

دروود بر ظفریافته‌گان بر هوای نفس، درود بر ارواح آزاد، درود بر پیشوایان دینی، درود بر معلمان دینی، درود بر مرتاضان، این پنج ذکر تمام گناهان را نابود می‌کند، به راستی که این ذکر فرخنده، از همه اذکار فرخنده برتر است.

۱۴- البته خداانگاری در آیین جینه به معنی خدای موثر، قادر، و... بلکه صرفاً به ویژگی شخصی آن جایگاه مثل دانش مطلق و... توجه شده‌است.

۱۵- البته مکاتب فلسفی هندو به دو دسته ناستیکه (یعنی منکر متون وده‌ای و زندگی پس از مرگ) مانند: مکتب چارواکه کاملاً مادی است، که مطلقاً وجود خدا را انکار

- new York, Britannica educational.
- Mahony, William, (1987), Karman, Encyclopedia of Religion, V.9. Ed. M. Eliade, Macmillan, P.C.
 - Mardia, K. V.,(1990), The Scientific Foundations of Jainism, Motilal Banarsidass Publ.
 - Nahar, Buran Chand & Krishnachandra Ghosh , (1917), An epitome of Jainism, Daby, Calcuttah.
 - Rani, Sneha & Jansma Rudi, (2006), Introduction to Jainism, India, Prakrit Bharti Academy.
 - Radhakrishnan ,Sarvepalli&Charles Moore, (1960), A source book in indian philosophy, Princeton University Press.
 - Savla, Ramanik(editor), Jain darshan means self realization (for private circulation only).
 - Schubring, Walther,(1962), the doctorin of the jains (1st published 1935), translated by W.Beurlen , Dehli, Motilal Banarsidas .
 - Srivastava, Kalpana, « human nature indian perspectiveIndustrial Psychiatry », (2010), Industrial psychiatry journal, volume 19, issue 2, pp 77-81.
 - Shah , Hemant, (no date), Jain theism – concept of god in Jainism, Shah Jainism literature center.
 - www.fas.harvard.edu/.../jainism/article/theism.htm.
 - Sikdar, J.C, (1991), Jaina Theory of Reality, Varanasi, P.V Research Institute.
 - Scriptures (RISSIOS).
 - Bosman , Manie, (no date), Jainism, no publisher.
 - Bulter, Sean, (2011), on the identity of the liberated jiva in Jainism. Śramaṇa, vol 62, No.1.
 - Deutsch & Dalvi, 2004, The essential Vedanta, Bloomington, Indiana, World Wisdom.
 - Chande, M . B, Indian philosophy in modern times, New Delhi, 2000.
 - Dundas , Paul, (1992), the jains, London, Routledge.
 - Flügel, Peter(editor), (2006), Studies in jaina history and culture, London, Routledge.
 - Herman, L, (2000), the problem of evil and Indian thought, Delhi, Motilal Banarsidass.
 - Jacobi, H., (1908), The Metaphysics and Ethics of the fainas (Transactions of the Congress for the History of Religion), Oxford.
 - Jain, S.A, (1992), Reality(En.tr.of.Sarvartha siddhi), Madras, jwalama lini Trust.
 - Jones Lindsay, (2005), Encyclopedia of religion, 2nd ed, United States of America, Thomson Gale.
 - Kachhara, Narayan, (2011), Philosophy of Mind: A Jain Perspective. US-China Education Review, Vol 8, No3.
 - Kachhara , Narayan, (no date), 47 Shaktiyan as described by Acharya Amritchandra . http://www.jainworld.com/science/metaphysics/47_shaktiyan_version2.pdf.
 - Kuiper, katherine, (2011), The culture of India,

- university library.
- www.jainsquare.com
 - <http://www.herenow4u.net/index.php?id=cd261>
 - 5.
 - www.jainuniversity.org, 3.3 Detailed explanation about types of Jivas.
 - <http://www.jainsamaj.org/literature/cosmology-210405.htm>.
 - Tater, Sohan, (2007), The Jaina Doctrine of Karma and the Science of Genetics, Ladnun, Jain Vishva Bharati Institute.
 - Tater, Sohan, (no date), JAINISM – HISTORY, PHILOSOPHY AND TRADITIONS, India, Singhania University .
 - <http://www.drsohanrajtater.com/articles/57.pdf>
 - Warren , Herbert, (1912), Jainism, Cornell